

در صفحات دیگر این شماره:

۱۶ صفحه	■ بمناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد درگذشت فردریک انگلس
۳ صفحه	■ دستگیری نمایندگان مبارز شورای کارخانه دیسمان اصفهان
۱۶ صفحه	■ اعتصاب غذای زندانیان - تحصن خانواده ها و میتینگهای موضوعی در مسجد سلیمان
۱۲ صفحه	■ پاسخ به نامه ها - انتقادات به پیکار و وظیفه هواداران
۱۵ صفحه	■ گزارشی از مبارزات دهقانان روستای «نصرآباد»

حزب جمهوری اسلامی، خانه دوم دکتر بقایی

بنا بر تاریخ دوم مرداد ماه، "مجلس شورای اسلامی" جلسه علنی داشت. در این جلسه: ابتدا ربا معایت، عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، مورد بحث قرار گرفت و تصویب گردید. آیت ضمن دفاعات خود مطالبی را بیان داشت که چهره کثیف و خاشاکش را به حزب زدیم ("حزب زحمتکش") و حزب جدیدش ("حزب جمهوری اسلامی") را پیش از پیش به نمایش گذاشت. آیت طی سخنانش مطالب ربا دوگوناگونی را مطرح کرد که ما در اینجا فقط به نظرانش راجع به "حزب زحمتکش" و "استاد دوبر" و همدش، مظفر باقی میپردازیم: بقیه در صفحه ۶

اعتراض کارگران و کارکنان مبارز شرکت نفت لایکو به اخراج همکارانشان

اخبار جنبش مقاومت خلق کرد



رفیق شهید تقی شهرام در نامه ای از زندان

آری، شاه مرد، اما...

سراپا شاه جنایتکار در تنهائی و غربت، در فلاکت و زبونی مردوبه احتمال بسیار در میانه راه کشته شد. او که بواسطه مبارزات عظیم و ملیونی توده های خلق دیگر نتوانست از منافع ارباب امپریالیست خود با بداری و خراست کند به ناچار روتخت فشار مبارزات توده ها و بدستور ارباب خویش از ایران خارج شد. ولی امپریا - لیسم آمریکا یکی جهت تترسیدن دیگر نوکرانش و اطمینان به آنها و دیگری برای استفاده از شاه جلاد علیه مبارزات توده ها تا به طور کامل کنار گذاشت. اما پس از چندی امپریا - لیسم آمریکا در یافت که شاه جنایتکار دیگر بجای از نظرسای ناپوشده که نمیتواند هیچ نقش مثبتی برای او بازی کند و وجودش نه تنها مفید فایده نیست بلکه عین مزاحمت و زبان نیز هست زیرا بصورت مانع در

بقیه در صفحه ۱۶

برسر تشکیل دولت، جناحهای هیئت حاکمه یکدیگر را می کوبند

هیات حاکمه جمهوری اسلامی میروند تا با انتخاب دولت پس از رسمیت یافتن "مجلس شورای اسلامی" خریس قدمها را در راه "قانونی کردن نظام خود" و "تثبیت آن" بردارد. در نظامهای ضد خلقی، انتخاب افراد در سلسله مراتب مختلف حکومتی محصول ترکیب فواشی است که جناحهای درونی هیئت حاکمه با یکدیگر دارند. صرف نظر از اینکه ترکیب جناحها و نظامهای درون هیئت حاکمه چگونه است و بستها و ارگانهای کلیدی توسط چه "سازندگان" برمیثود وظیفه اصلی حاکمیت دفاع از طبقه سرمایه دار ایران و نظام سرمایه داری و وابسته و یکا رگرفتن ابزارهای مختلف در سرکوب جنبش خلق می باشد. این وظیفه به هیات حاکمه و جدت می بخشد و معآرائی واقعی نیروها را مشخص میازد. ما هیئت و مضمون جنگ قدرت در "بالا" بر محتوای قوی استوار است. این مضمون برای این امر نظارت دارد: کدام نیروی ضد خلقی وظیفه سرکوب خلق و سرکردگی در هیات حاکمه را برعهده دارد؟

بقیه در صفحه ۲

بمناسبت ۱۴ مرداد: جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران

در طول قرنهای سلطه فئودال لیسم و حکومت مطلقه پادشاهان خونخوار بر ایران تا اوایل قرن هجدهم با رهبا قبا مها و جنبشهای دهقانی بنیای حاکمیت اشراف، فئودالها و درباریان رایج لرزه انداخته است آخرین جنبش وسیع توده های دهقانی قبل از جنبش مشروطیت قبا مها دهقانی "بابیه" بود که علیرغم دامنه و وسعت عظیمی که داشت به علت نبود شکل، سازماندهی و برنامهای انقلابی محکوم به شکست بود. عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی و عدم توسعه روابط سرمایه داری در ایران بدلائل مختلف تاریخی مانع از آن گشته بود تا انقلاب بورژوا - دمکراتیک همزمان با سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری در میهن ما بوقوع پیوندد و اساس نظام تولیدی فئودالی و حکومت وابسته به این نظام را تغییر دهد.

بقیه در صفحه ۱۲

افشای جبهه ملی و مدنی از جانب حزب جمهوری اسلامی و ماهیت آن

نگاهی به مصاحبه مدنی با کیهان

۹ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



اخراج کارگران مبارز شرکت نفت لایکو تحت پوشش «پاکسازی»

روزی چهارشنبه ۱۸ تیرماه ۵۹ ساعت ۱۰ صبح ناگهان هواپیمای ژبانی که مخصوص هاب نفتی شرکت نفت بود، در باند فرودگاه جریره لائوان به زمین می نشست. رئیس ژاندارمری و جمعی از اربابان به استقبال سرشنایان آن میروید. دو نفر به نامهای مرادعلی خدای و سادات - که هر دو از انجمن صیانتی و وزیر نفت (معین فر) هستند - برای «پاکسازی» جریره می آیند.

اولین قسمتی که آنها دیدن میکنند شرکت نفت است. خدای و سادات در اجتماع کارگران شرکت نفت میگویند: «من سرپرست پاکسازی هستم و برای پاکسازی ما واکبها به این جریره آمده ام. البته ما میتوانیم

ایا می سا واکبها را از کار میسرورد سپهران بکسریم و آنان را میرویم کنیم». در اینجا یک کارگری میگوید: «اگر شما چنین کاری را میسوردد سپهران انجام دهید پس چرا به اینجا آمده اید؟!». او جواب میدهد: «ما آمده ایم سا واکبها و افرادی که غیرمکتبی فکر میکنند و انحراف فکری دارند و خراب میکنند را تعقیب کنیم».

خدای و سادات همانروز از سکوهای نفتی شرکتی لایکو وایمیکودین میکنند و حدودا ساعت ۴ عصر در صفحه ۴

ای کارگران! ای بزرگواران!

شعر سر را دانش آموری که سال دوم دبستان را سپایان رسانده و پدرش کارگری و و هوادار زمان می باشد برای بیکار و فرساده است با آرزوی بهروزی برای همه دانش آموزان ما رزوا زحمتهاش آسوز مذکور، شعرا و را در زیر می آوریم.

ای کارگران!

ای بزرگواران!

برخیزید، برخیزید

تا میروشن را

بکنیم، بکنیم

برخیزید، برخیزید

حکومت سوسالیم را

در ایران بسازیم.

سوسالیم را

از دل مادرش در آورید

تا یک نوحوان باشد

و با یک منت

بیرخفت سرما به داری را

براندوزا بوش سازد.

(مانا)

★ ★ ★

کارگران مبارز ترانس پیک عصر

ضد کارگردیگری را از کارخانه اخراج کردند

پیش از این نوشتیم که کارگران مبارز کارخانه ترانس پیک در سه هفتگی و انجا خودتوانا هستند یکی از سرپرستان ضد کارگران کارخانه را با نام علی یور اخراج نمایند. در نتیجه اول تیرماه به اردیگران کارگران مبارز موجود ضد کارگردیگری را با نام منوچهر گلکار که مهندسی است با ۸ سال سابقه و روزگوشی به کارگران از کارخانه بیرون انداختند.

مهندس گلکار به علت فشار و ستمی که بر کارگران روا میداشت همواره مورد کینه و نفرت آنها قرار داشت. مثلا اگر دستگاری هنگام کار خراب می شد او تمام کاسه کوزه را سرکارگری می شکست که با آن کار می کرد. بطوریکه یکی از کارگران با رها از ترانس او و از سر خراب شدن دستگاه، پشت دستگاه به گریه افتاده بود. وقتی یکی از کارگران مبارز در مقابل او می ایستاد به فحش های رکیک وی (که همیشه نوب زبانش بود) پاسخ میداد. گلکار او را به واک معرفی می کند و از آنزمان همکاری وی با واک برای کارگران روشن میشود. کارگران پس از بیروزی قیام بهمین ماه همواره منتظر خواستار اخراج او بودند، تا اینکه در نتیجه اول تیرماه که موجب خشم و اخراج او شد، کارخانجات و موسسات دولتی با اکثریت، در این کارخانه برخلاف بسیاری از کارخانه ها و ادارات که اخراج کارگران و کارکنان مبارز تحت پوشش «پاکسازی» انجام میگیرد کارگران از فرصت استفاده کرده و توسط شورای منتخب خود گلکار را از کارخانه بیرون انداختند.

درود بر کارگران مبارز ترانس پیک مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران

دستگیری نمایندگان

مبارز شورای کارخانه دیسمان اصفهان

دراواخل مردادماه ۵۹ با سازمان سرمایه دیک سور و خنیا به یک کارخانه دیسمان اصفهان کلیه نمایندگان کارگران را به مردم فاج از مافع برحق کارگران و مبارزه علیه کارفرمای مزدور و سگسیر میکنند. لازم به تذکر است که کارفرمای مزدور، اداره کار و پاداران علیه شورای این کارخانه از همان ابتدای تشکیل تنش توطئه میگردند. مثلا چندی پیش که کارگران توسط شورای خود نظارت بر تولید را اعمال کردند، کارفرمای را لومفت بکمک عوامل دولت علیه نمایندگان کارگران دست به تحریکات وسیعی زده و عده ای از کارگران نا آگاه را در مقابل نمایندگان قرار میدهد. آنها تبلیغ میگردند که نمایندگان قصد دارند کارخانه را تعطیل کنند و این در حالی بود که نمایندگان هم تلاش خود را بکار میبردند تا از تعطیل شدن کارخانه جلوگیری نمایند!

سرانجام وقتی رژیم ضد خلقی حاکم و کارفرمایا نتوانستند با حیل و فریب پشتیبانی و حمایت کارگران را از نمایندگان خود سلب نمایند، اقدام به دستگیری آنها کردند!

کارگران مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی، اخراج، دستگیری و سرکوب کارگران آگاه و مبارز را گسترده تر از پیش در دستور کار خود قرار داده است. بگوئیم با اتحاد، مقاومت و یکپارچگی خویش برنا میهای سرکوب او را با شکست روبرو سازیم.

کارگران مبارز صنایع پشم اصفهان مدیر عامل ضد کارگران اخراج نمودند

کارخانه صنایع پشم اصفهان ۱۳۰۰ کارگردارد. پس از دولتی شدن این کارخانه مدیریت آن بدست سرمایه دار مزدوری بنام حاداسیرده شد. حاداسیرده با اخراجهای بی درسی محیط رعب و وحشت ایجاد کند. وی با فشار آوردن به کارگران و خورنده های سگسیر، آنها را تشنه استعمار می نمود.

کارگران که به تدریج به هیات این نماینده رژیم جمهوری اسلامی پی برده و در بافته بودند که وی بسوی رژیم سابق فرقی ندارد، در پی اخراج او برآمدند. در این رابطه عده ای از کارگران به شیفت در اواسط تیرماه ۵۹ در مقابل در کارخانه اجتماع کرده و با شعار مرگ حاداسیر را زور واد و به کارخانه جلوگیری نمودند. بعد از این جریان حاداسیر را رگوشید تا با توطئه های گوناگون به کارخانه بازگردد. مثلا یکبار ساعت یک بعد از نیمه شب هنگامی که قصد داشت به کارخانه به یاد پیوستن برای کارگران «خنثائی» کند، به شعار مرگ حاداسیر را از کارخانه بیرون انداخته شد. وی همچنین سعی می کرد که از داخل کارخانه به یک عوا ملش با ایجاد تفرقه و دودستگی بین کارگران و از خارج بوسیله نماینده دادستانی دادگاه انقلاب مبارزه کارگران را با شکست روبرو سازد.

آخرین کوشش او در این زمینه این بود که یک عوا ملش در کارخانه اقدام به بستن درها و پنجره ها و پواید نمودن کارخانه تعطیل و کارگران از ترس بیکاری خواهان بازگشت او شوند.



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمکهای مالی دریافت شده

١١٥٠٠	ق	٢٨٢٠٠	ح	١٨٠٠٠
٢٢٠٠	"	٨٠٠٠	"	٦٠٠٠
٢٧٠٠	ك	٢٢٠٠	د	٥٢٢٠
٢١٥٠٠	"	٢٤٠٠	ر	٧٢٢٠
٢٢٠٠	م	١١٥٠	"	٦٠٠٠
٢٢٢٠٠	"	١٢٢٠٠	ز	٧٠٠٠
١١١١٠	"	١٠٤٠٠٠	س	٢٥٠٠٠
٢٠٤٠	"	١١٠٠٠	"	٥٠٠٠
٢٥٠٠	"	٥٤٠٠	"	٢٠٠٠
٥٠٠٠	"	١٦١٠	ص	٢٢٨٥٠
٨١٠٠	"	٢٨٠٠	ض	٢٠٢٠٠
١١٥٠٠	"	١٠٥٠٠	غ. ك	٩٠٠٠
٦٠٠٠	"	٢٨٩٠	ف	١٢٠٠٠
٦٠٠٠	ن	٢٢٢٠٠	"	٢١٨١٠ ك. ب
٢٢٠٠	ه	٦٨٠٠	"	١٢٦٩٠
٦٠٠٠	"	٢٥٥٠	"	١٥٨٠٠
٢٥٠٠٠	هدك	١٠٠٠٠	"	٢٠٠٠
٦٠٠٠	ي	١٢٨٠٠	"	٦٠٠٠
		٥٠٠٠	A	١١١١٠

کارگران قهرمانان جدا! استیلا با همست

کا رگران مبارز جنرال استیل که با قدرت اتحاد خود مانع اخراج رفقای مبارزان شدند اینک خواستار انحلال سندیکای فرمایشی و اخراج نعمت زاده و دیگر عنا صر مدکا رگر میباشند

طعی شد و مدیر جدید قرارا ست بزودی بهکارخانه بهیا ید!

نرا با زکردند و به این ترتیب مانع خوابا ندن تولید

www.peykar.org



خلق ها و مسئله ملی

اخبار جنبش مقاومت خلق کرد

افتای توطئه های ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در مهاباد در دادگاه خلقی

بعد از ظهر ۵۹/۵/۲۷ توسط سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) دادگاه خلقی در ساختمان تربیت بدنی مهاباد تشکیل یافت. این دادگاه پرشکوه که بیش از سه هزار نفر در آن شرکت داشتند برای محاکمه دوشن ارجاع ملین انجبارانی که اخیراً در شهر مهاباد رخ داده است بنا به ای صلاح الدین شریف زاده و یوسف مهتری تشکیل گردید. صلاح الدین شریف زاده با اعتراف آزادانه خود در انجباران کومله و انجبار در ماشین پیشمرگان زحمتکشان، انجبار در میدان آزادی مهاباد و... شرکت داشته است. این فرد توسط سپاه پاسداران شریزاده و مواد منفجره را دیده و مواد منفجره را به شهر آورده و انجبار رستم را در مهاباد دیده گرفته است. مردم مهاباد را به اصلاح الدین شریف زاده را به اعدام محکوم کردند و ولی به شرط اینکه او اطلاعاتی در مورد سایر انجباران و... بدهد یک درجه از جرم آن کم خواهد شد. یوسف مهتری مجرم ردیف دوم بود که جرمهای دیگری داشت و در هیچیک از انجباران اخیر شهر مهاباد شرکت نداشته و دیگر بعد از یورش اول به مهاباد از آن رژیم همکاری نداشته است با توجه به این نکات یوسف مهتری بهرای مردم آزاد گردید.

این دادگاه شکوه و عظمت خاصی داشت و برخلاف دادگاههای جمهوری اسلامی بطور علنی، توده ای و آزاد صورت گرفت. این آزادی ناشی از آنجا بود که تربیتون در اختیار افرادی که متبع صلاح الدین شریف زاده اعمال بخشی از انجباران شهر صحبت می کردند قرار گرفت. دادگاههای که بدون هیچ گونه سرکوبی، فرصت بیفید و شرط دفاع را به متهمین داده است متهمان این دادگاه برخلاف دادگاههای سر بسته و غیر علنی جمهوری اسلامی هزاران تن از مردم مهاباد را با دیدن دادگاه در نظر گرفتن رای اکثریت متهمان آنها به اعدام قرار داد.

● سبز ۵۹/۴/۲۴

فرزندان مسلح خلق در شهر

شب هنگام بیش از بیست پیشمرگ فهرا م وارد ساختمان مدرسه شهناز سابق می شوند. به سادارانی که در شهر گنجینه های داشتند از این موضوع اطلاع پیدا کرده و وجود پیشمرگان را در آن محل به یادگان اطلاع دادند. در این هنگام پیشمرگان سراسر آن محل را ترک

تظاهرات انقلابی جوانان شهر

۴/۲۸ - در ساعت ۸ بعد از ظهر این روز عده ای از جوانان انقلابی شهر در میدان شهیدان با خواندن سرود دادن شعارها پی چون: بیژنی هری پیشمرگه به سادارنسیت مهرگه و... انجبار خود را نسبت به هشت حاکمه و ارتش و پاداران و حاکمانی مزدور رژیم نشان دادند و از طرف دیگر پستیهای خود را از پیشمرگان و جنبش مقاومت خلق اعلام کردند. این تظاهر کنندگان انقلابی بعد از ۲ دقیقه پراکنده شدند.

حکومت نظامی

۴/۲۹ - ارتش ضد خلقی با اعلام حکومت نظامی از ساعت ۱۱ شب تا ۳ با مداخله در سه منطقه دیگر شهر گرم آباد (مکتب اسلام قدیم) شهر با نشی قدیم (انتهای خیابان بهلولی) و منبع آب (دفتر قبلی کومله) مقر گذاشته است. در ضمن هشت حاکمه ترسان از نیروی لایزال توده های نیروی پادار خود را نیز در شهر افزایش داده است.

● آشنوبه ۵۹/۴/۲۷

تهدید ارتش و مقاومت مردم

در چند روز اخیر لشکر ۶۴ ارومیه اعلامیه ای در این شهر پخش کرده و در آن از مردم خواسته است که خلق سلاح شوند و سلاحها را زمین بگذارند و در غیر این صورت از سپاه پاداران خونخواه رنقه برای سرکوب مردم شهر استفاده خواهد کرد. آری همان سپاه که در قرا رنسا و قتلان و... قتل عامها و غارتها نموده است. در این روز بر علیه این اعلامیه و نیروهای سرکوبگر رژیم را بهیما بی ای از طرف هواداران جنبش مقاومت ترتیب داده شده بود. در این تظاهرات مردم غیوراً شنبه شرکت کرده و با شعارهای خود مقاومت مپا رزه را خواستار شدند و بدین ترتیب هرگونه تهازش کاری را محکوم کردند. شظا هر کنندگان بعد از گذشتن از مسیر خیابان اصلی متفرق شدند.

● سبز ۵۹/۴/۲۲

حمله پیشمرگان سازمان به جاشها

در این روز پیشمرگان سازمان پیکار در آبادی سرخ (در منطقه کلیانی از بخش کرمانشاه) برای دستگیری عده ای از جاشهای محلی که توسط دولت مسلح شده بودند میروند که با ورود پیشمرگان عده ای از جاشها می گریزند و بقیه نیز با پیشمرگان درگیر میشوند و خود را تسلیم نمی کنند که با آتش شدید پیشمرگان مواجه میشوند و ضربات سختی بر آنها وارد میشود در این درگیری که بیش از دوساعت بطول انجا میدارند تلفات دشمن اعلامی در دست نیست اما پیشمرگان سالم به پیکارهای خود برگشتند و مورد استقبال شدید اهالی منطقه قرار گرفتند زیرا پیشمرگان دلاور خلق به مزدورانی غریبه زده بودند که کار آنها جز آزار و اذیت مردم بی دفاع آبادیهای منطقه (با خله - کاسخسرو) نبوده است. لازم به یادآوری است که این اولین بار است که نیروی پیشمرگه توانسته است به این منطقه برود و به همین لحاظ روحیه مردم بسیار خوب شده است و از این عمل انقلابی پشتیبانی می نمایند.

● سبز ۵۹/۴/۲۴



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

www.peykar.org



رفیق شهید تقی شهرام در نامه‌ای از زندان *

سلام... تمیذام چند روزی از ما جراحی‌ها می‌کند در این مدت بوسه‌ها را می‌دهد و با خود می‌برد. بطور کلی خلاصه و فهرست (واری) برخی از مطالب را تا آنجا که سطح محدود کاغذ اجازه دهد بدون هیچ مقدمه و با حذف بسیاری از مسائل در اینجا می‌آورم:

۱- دستگیری من کا ملا تفاق و توسط قسرد تحریک شده‌ای صورت گرفت که در دوران زندگی مخفی جلوی مبارزه و مایک مخفی کا هدا شتم و او بعد از طرف عنا صریحا و حزب اللهی ها فهمیده بود که یکی از افراد آنجا من بوده‌ام. محمد آقا نا می که دریا ساز سرچشمه خیاطی داد و توسط نا هیور (۱) که دوست او بوده و در ضمن از مخفی کا هدا مطلع بوده در جریان قسرد گرفته بوده است.

۲- بعد از دستگیری و تحویل به کمیته مرکز و بردن چشم بسته به یک نقطه مجهول و تهدید و ناسزا های بسیار و ایجاد یک مراسم اعدام... به انفرادی قسرد منتقل شدم.

۳- فکر می‌کنم در این فاصله همراهش محمد غرضی (۲) برده بودند که شش شای کیست. بعد از ده روز به انفرادی های اوین منتقل شدم با هم موضع خوشنودن و توام با آزار شدید...

۴- آخرت ۲۶ تیر (۵۸) به یک خانه مخفی برده شدم. کجوشی (۳) مرا تحویل کسی داد که بعدا فهمیدم اصغر صباغیان (۴) است و او در آن خانه مخفی، بطور مخفی اما طاهر و مخفی رهبری با زجوشی مرا پیاده داشت.

۵- در زندان خصوصی آن خانه که یکی از خانه های امن ساواک با (۴) طوغوشی بود در شرایط بسیار سخت و توام با فشارهای گوناگون ۳ بار با زجوشی ند که به هیچیک از سوالات مربوط به فعالیت انقلابی گذشته خود و تکنیکات پاسخی ندادم زیرا بدلیل گوناگون و از جمله بدلیل ماهیت سیاسی موضوع مورد تحقیق آنها، چنین تحقیقی در ملاطبت آنها نبود (۵).

۶- در این مدت دو بار دوی (۶) شخصا ملاقاتم آمد. اول و شما فرد بسیار ساده ای است (از نظر سیاسی) و علیرغم نما یلش دمیقا در اختیار با ندیسو استفاده گران که خاطراتی کرده بودند فرار داشت. یکی از روش های با ندا صر (صباغیان) و محمد غرضی بودند که بعد از آمدن قدوسی او ت شدند.

۷- هدف شدید همه آنها طبیعتا به موضوع بود. الف- کسب اطلاعات از زمانهای انقلابی چپ، ب- بدست آوردن زمینه و مدرک برای تبلیغ علیه محادین مخصوصا در محظوظ قرار دادن من که با بد

(ه) - آنچه می‌خواهند فهمانن از یک ماهه است. مواردی که به بدلائلی حذف شده بقطه چپ و آنجا که خوانده شده علامت سوال در پیرا شریک آن آمده است. با وری ها از پیکار است.

که بعدا فرماده سیا و با ندا را ن فسد. او هم با فسد فردی بنام مسعود "مسعد" دریا ند غرضی - "اصغر صباغیان" بودند.

۱۷- در تمام این مدت ۲/۵ ماه از دادن حتی یک گری هوا خوری محروم بودم. در آن خانه مخفی و با ندا صر چالها می که بودم حتی شخصی روزا زب امکان بندر نبود.

۱۸- در آن زندان قدوسی بکا ر بعدت گویا صر با من ملاقات کرد و گفت به مطمحسان نسبت کنند در داد کا ملاطبت را رد کنید!

۱۹- در تمام این مدت به لحاظ بهی مدها ز حاس در جامعه مثل استخبارات مجلس حیرکان با بهار اواخر (۲۰۰۰) آنها قعدا شدند این موضوع را در آن بحیو حدها کا هدا ورده و استفا ده لازم میکنند. اما هریا و بدلیلی امکان پذیر شد. البته معا و مت خودی تا کنون نقش اساسی در این جریان داشته است.

۲۰- در شب ۱۰ بهمن به انفرادی های اوین منتقل شدم. الان نیز در انفرادی های قدیم همان ما که در سال ۵۸ زندان بودم مبتها یک سلول دیگر در حبس شتم.

۲۱- سوا زات شدید مایا رزه طفا می و ابه لولیزیر در جا مع به خصوصی شدید کینه و افقا عجیب گرو هبها ز خاکم علیه مجا هدین و جپی ها فشار آنها بر من زیبا د و توطئه آنها برای پرونده سازی علیه من محسوسا که با فقدان هر گونه نقطه ضعف علیه شخص من رو بر ر شده اند کترش بیشتر می با بد.

۲۲- بعد از همکار ی شرم و آزار آنها با احمد صر... کریمی که هنوز نیز در خدمت آنها است و حتی دسهای در پهنها د کرده بودند. او را به کردستان برای بار تر ببرند. با امزشرم و اردنیکری در اینجا رو بر رندم.

۲۳- "اصغر میرزا جعفر علاف" (۹) کسی که در سال ۵۶ خودش را به پلیس معرفی کرد و در اول سال ۵۷ اثر تاریخ را از شتاب نگین طی یک معا جبهه فرما بی اتوا فتنها را تا انقلابیون کردند و اینجا همرا کجوشی (و با یک ضبط صوت مخفی در جیب کجوشی که در آخر آنرا کشف کردم) شروع به زجوشی و توهین و سوال از من کرد.

۲۴- او انواع نهمتها و دورو غهای شا حد را را کد جتی بکسا وکی نیز حاضر به هر طر آنها علیه مادر نیلس... خود نبود (بدلیل اینکه بیشتر خود را رسوا میکرد). مطرح کرد. (از جمله اینکه مثلا ما ۳ نفر رفقای شید خودمان (۱۰) را در میدان متیر به به پلیس لود داد و بودیم! خیلی ارا جیف دیگر.

۲۵- آنها در آنجا به انداختن با ت با زهم بندد است این موضوع را علم کنند که بدلائلی سوا بسند.

۲۶- پس از چاپ حساب شده "نا مشرف و انش" در بعدا علامه کا ملا مفرقا به دادستانی بدون نام برد از تکنیکات به آن طرز مسئله را طرح کرده بود و گویا به گشت قضیه کا رمی کیند شروع به ادا ادا ح... خانواده شهیدایی که از طرز زها دت فرار با ندا صر ندارد کردند که با بند علیه من شکایت کنند. از جمله مسئله یک نمونه مجرمان خانواده مریخی جاسوسی است یا خانواده حسنان (۱۲) که دمیقا آنها را سنا ند کرده اند که با بند شکایت کنند. آنها دیگر ارا سک بتوانند با این تعلیل فتنها را و آزار و اذیت هها تکنجه های مستر ورائی که در هر نیمه است بکا ر ح... اعدا مایا ریم محسم کنند و اثر شرم کرده و با سلا ح در مقابل معا هدین خلق فرار دهند اما امید ندا بسند

از خودم و از گذشته تکنیکات در زمینه تغییر و تحول ایدئولوژیک دفاع کنم که خود مستقیما حاوی (۴) و انتقادات وسیع ایدئولوژیک علیه مجا هدین بود و با اینکه سکوت کرده و کا ملا محکوم کردم. ج- استقام- جوشی و کسب مدرک (۷).

۸- این سه هدف هنوز هم با شدت بیشتر علیرغم تعویض گروهی که من در اختیارش هم به فوت خود باقی است.

۹- گروهی که من در اختیارشان شتم تا سا وابسته به حزب جمهوری اسلامی و مجا هدین انقلاب اسلامی هستند و جالب است که زمان ها دوی هم با تحویل من به اصغر (صباغیان) موافق نبوده اند.

۱۰- در شهر بوروبه زندان مخفی دیگری که البته بعدا علیرغم همه احتیاطات آنها فهمیدم یکی از پادگان های لوبیان است. منتقل شدم.

۱۱- بکا ر دیگر در آنجا با زجوشی شدم و با هم در جواب ملاطبت را مغلط رد کردم.

۱۲- در این زندان، فرد کشف خود فروخته و بسیار خطرناکی را بدون آنکه من او را و هویت اصلی اش را بشناسم با مور کردند که از من اطلاعات کسب کند. سنام اصلی او همان احمد رضا کریمی فرد بسیار رکش و خاش معروف اما بسیار با استعداد و مطلع از گذشته سازمان ها بود. به من او را با نام احمدی، عنمر دادستانی و با ندا را انقلاب معرفی بردند.

۱۳- آنها کا ملا و او همکار ی میکردند و با بهمارت دیگر همان استفاده ای را که ساواک از او میکرد حال اینها میکردند. بیرونده ها را در اختیار او میگذارند و او با توجه به شناسایی های قبلی اش که در جزایر کار در ساواک بدست آورده بود دبیرای آنها گزارش تهیه میکرد.

۱۴- حتی به احتمال زیاد در با زجوشی هیا ت تحریر به آندگان نیز شرکت داشته است (بدون آنکه آنها بفهمند)

۱۵- او چهره انقلابی و مخالف دستگا به خود می گرفت و طی ۲/۵ ماه انواع شکردها را با کا ر برورد و عاقبت با روشتن دستش بعنوان شکنجه گرو روانتشی مشغول بکا ر شد (۸).

۱۶- در این مدت کسان دیگری در ملاقاتهای رسمی با غیر رسمی با انواع تهدیدات به شکنجه روانی می برداختند. از جمله این افراد کسی است بنام "طاهری"

پیشا بر این با توجه به اینکه واقعا تمام سوابق و پیوندهای قطور در سوابق و دادرسی ارتش افتخار آمیز و کاسی از یک مبارزه آشتی ناپذیر طولانی است در مدبرانه انداختن تبلیغات دروغ و تحریف آمیز و این نوع پیوندهای زی شده اند.

۲۷- مثلاً اعلامیه ای چاپ کرده بودند تحت عنوان "ما زمان پیکار را شناختیم" و با اصطلاح افشاری علیه من که در نظر افشاری و افشاری از آن از جمله اینکه فرمان را با واک ترتیب داده بود که این اعلامیه را و اولان اتفاقی اصل آن و بسته زرگری از آنرا در دفتر زندان مخفی دیدیم (برای معاینه بزرگ در یک وضع اورژانسی بدتر بریده بودند) و جالب عکس من بود روی آن - این عکس منحصر بفردی است که ما واک در سال ۵۵ در اطراف حسینی ازم گرفت و واضح است که تنها می توانست در آنجا واک باشد، آرشوی که اینک تمام و کمال در سلطنت آباد و نزد سپاه پاسداران، آقایان منموری (جواد)، بشارشی، حاج محسن رفیعی دوست و دوزدو زانی است! (۱۳) و از اینجا منشأ این تبلیغات کا کا معلوم میشود. با تبلیغات که در روزنامه خود سپاه علیه من را انداخته اند، که البته شنیده ام و ندیده ام ولی جالب است که آنها از یک طرف زندانیان را، از طرف دیگر با جزو قاعی تحقیق و از طرف دیگر رفیق سیاسی ایدئولوژیک... من هستند!

۲۸- آخرین توطئه قضیه کا کا ملا دروغ دسگبیری کا کا لی است. کیهان در روزهای اخیر صفحه اول نوشت که کا کا لی سرباز جوی معروف سا واک دستگیر شد. در کا کا لی و در آنجا در آنجا علیه من را انداخته اند! این را میدانند. در این مدت روزانه ساعت عت ناشی (۱۴) و دیگران را و آنرا داده کرده اند که بر ما می مانند. شهرانی علیه نیروهای انقلابی متحصنا "مجا هدين خلق و معصوما در راه پله با فیه تشکیلات ما اجرا کنند. نحوه خبر هم اگر دقت کنید به رابطه کا کا لی (که اسم اصلی اش کا کا نگراست) با مجا هدين بعنوان شکنجه گرانها که طبقا اطلاعات زیادی از آنها دارند کید داشت.

تاریخ نامه فروردین ۵۹

(پاورقی ها)

(۱) - منظور خاش خود فروخته احداث است که در آن زمان در رابطه سمپاتی با زمان قرار داشت و پس از آن که در سال ۵۳ دستگیر شد خود را در خدمت سا واک قرار داد و پیروی برای خیانت به انقلاب و لوداد و نفعی مبارزین از زندان آزاد شد. همین شخص است که در بیدادگاه های که رفیق شهرام را با مظلوم محاکمه کرد، و فیحانه ترین شهنشاه رفیق شهرام بود که در انقلابیون و سا زمان مجا هدين خلق بست داد. اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای اثبات "حقانیت خود دست به دامان همکار سا واک و خود فروختگان نظیر احمدی و احمد و صفر میرزا جعفر اعلا و احمد را کرمی و بهمن شهرانی... میرید. تنها یک چیز است می کشد و آن اینکه این رژیم در مقابل خلق و در مقابل نیروهای انقلابی قرار دارد.

یکی از مطالب دروغین و دروغی که احمدی و احمدی در بیدادگاه رفیق شهرام عنوان کرد این بود که گویا این رفیق شهرام و رفیق سیاسی بر سر سا زماندهی رفیق شهید فاطمه فروتوک زاده اختلاف بوده است در حالی که رفیق فروتوک زاده (همسر سابق احمدی) از آنجایی مخفیند (سال ۵۴) که رفیق علیرضا سیاسی در خاچ کشور

بود. و زمانی هم که علیرضا به ایران بازگشت رفیق فروتوک زاده در ارتشهای جسمی و روحی ناشی از پیشی چریکی متأسفانه دست به خودکشی زده بود (آذرماه ۵۵ و جدوی نیز دست سا واک افتاد) رفیق سیاسی در دی ماه سال ۵۳ به خارج رکنورفت و در تاریخ مهر ۵۵ به ایران بازگشت تنها رابطه ای که از نظر تشکیلاتی بین علیرضا و احمدی و رفیق شهید فروتوک زاده بود، این بود که رفیق سیاسی آنها را از طریق یک رابط سمپات به تشکیلات معرفی کرده و به خارج می رود و بندودرتان زمان و با حدود یک سال پس از آن در رابطه ای غلبی و سمپاتی با سا زمان قرار داشتند و هیچ وجه مخفی نبودند اما مسئله سا زماندهی مخفی مطرح گردید در همین دادگاه احمدی و احمدی و شهرام منموری را نیز مطرح کرد. و عنوان کرد که رفیق فروتوک زاده خودکشی نکرده بلکه دست رفیق شهرام به شهادت رسیده است! اتهام وی آنجاست که او را سرمد و دروغ بود که حسی سا واک نیز بیکار را نکرده بود و حتی بیدادگاه انقلاب اسلامی نیز آنرا نتوانست بیذبرد.

(۲) - محمد غرضی، استاد راهنمای خوزستان و یکی از مسئولین وقت سا زمان سپاه پاسداران بود که رفیق شهید شهرام را در نامه ای دسگرو با اشاره گذشته اش چنین معرفی می نماید:

"باری دادگاه ما تشکیل شد (منظور اولین دادگاه دستجمعی با زده بغیر از مجا هدين خلق در زمستان سال ۵۵ است که در آن ۴ نفر اول تا مراد ق، علی میهن- دوست و محمد بازگانی و مسعود جوی برایشان جگم اعدا یافتند. شهرام منموری و رفیق محمد غرضی آخرین نفر) اما با یاران رزمنده ما بیدادگاه ها و جلاد را به دادگاه محاکمه رژیم و با بنش تبدیل کردند. اغیار دادگاه به طور و خشنوکی تحریف شده در مطبوعات منعکس می گشت. با این وصف حتی کلمات و جملات گویا می که به حقیقت در میان آن همه تحریفات منعکس میگردد آشتی در ما معذور قلیها و افکار و نیروهای جوان و پیشرو با دمی کرد.

"همه ما سیرا آخرین نفر (محمد غرضی) که در واقع از ما نبود و در طی سالهای سال، علیرغم دوستی- های قدیم دانشگاهی با رفقای مسئول در تشکیلات ما همچنان خود را از ما رزه و تشکیلات کما رکنیده بود و در نتیجه در ارات رژیم به مدیریت و مقام و منصبی رسیده بود، ملاحظه دادگاه را در کردیم. در ملاحظه دادگاه خود کا کا لی بود تا پاسخ دندان شکنی به پیشنها دات سی شمانه آن گرکها و اربا نشان بدهد در حالیکه ما عیانت سیاسی و در واقع شهادت سیاسی و ایدئولوژیک یاران ما که دیگر جای خود داشت... منموری و آخر با زهم ملاحظه دادگاه را نایید کرد. او ندیده کرد، البته اس کرد، قسم خورد - که حتی جی به قسم همین داشت - که هیچگاه رها است. با حالت تضرع آمیزی نیز دادگاه ما طلب بخش کرد. او را تشریف کردند و عجب و تا بدنه چندان عیب، بعد از "پیروزی انقلاب" و در رژیم بدچس فردی در اس یک سا واک عدید، دست و نظا و تعرض روی فرزندان آیت الله هلالی دراز کرد و در حالیکه دشمن امیلی هنوز پای در قلب مهین دارد و مردم هنوز شاید تنها یکی از هزاران رسته های اسار را استوار و سرورگی را از دست و پای خودپاره کرده با شند و هزاران هزار رسته دیگر هنوز پای است، او به توطئه برای رودر و قرار دادن نیروهای انقلابی خلق پرداخت. باری او در آنروز با تاید ملاحظه... دادگاه، نه تنها به حیثیت سا زمان و سیاسی انقلابیون لطمه و در شکل یکپارچه ما را بنفع تبلیغات سو رژیم

(شاه) مخدوش نمود بلکه در واقع ملاحظه کسانی را که دستان نا ارتش غرقه در خون جوانان و رزمندگان وطن بود و در کشتار با زهم بیشتر اس مبارزین از جمله صدور حکم اعدا ۴ نفر هم رزم منموری و اول تا بدمی کرد. و افکار چونیگوبود بعد از انقلابی پیرونده زندگی کسانی که ما در در اس قدرت قرار میگیرند آشکارا در مقابل مردم کشنده میشد و مردم می فهمیدند که چه کسانی و با چه کارنامه ای زمان ما مور آنها را بعنوان انقلاب درست گرفته اند.

(۳) - رئیس فعلی زندان اوین
(۴) - اصغر عباسی (برادرها شمس غان و وزیر کشور دولت بازرگان) از مسئولین اولیه سپاه پاسداران می باشد. او در اقدامات کینه منورانه ای که پس از واژگونی رژیم شاه علیه نیروهای انقلابی کمونیست و غیر کمونیست یکا رفته سمپات قابل توجهی داشته و هم اوست که در توطئه علیه خلق کرد و خلق ترکمن بیتقدم بوده است.

(۵) - رفیق شهرام تا پایان بر روی این موضع گیری انقلابی ایستاد "دادگاه" را نیز به هیچ قیمتی برسمیت نشناخت و حتی آموخته و انقلابی را در این باره پایه گذاری نمود. با دشواری می باد.

(۶) - محسن هادی در آن موقع "دادستان کل انقلاب اسلامی" بود.

(۷) - رفیق شهرام هرگز تسلیم این خواسته های سا واک گشته و فدا انقلابی نشد و رژیم جمهوری اسلامی را در راه انداختن کارزاری علیه مجا هدين خلق، بنویس خود سا کا گذاشت. او نشان داد که چگونه مرزا نقاب و ضد انقلاب را همواره - و لویسمیت جانش - حفظ می کند.

(۸) - همین خاش - احمد رضا کرمی - اینروزها به انجام ما موریت خیانتکارانه دیگری مشغول است و ما تنها بق که در خدمت سا واک بود و در ما حبسه

تلویزیونی در کارناشتی علیه مجا هدين خلق به لجن پراکنی پرداخت اینها همان را در خدمت خرده بورژوا - ها و بورژوا های بقدرت رسیده جمهوری اسلامی - علیه مجا هدين خلق انجام میدهد. او "دادستان" و انقلاب "ادعا میکنند که" و عضو مجا هدين خلق بوده که دروغی بیش نیست و جدا کثرت در رابطه هواداری قرار داشت همچنین او ادعا میکنند که با شهید سعید محسن آشنا بوده و با عرفا بخا طر آنکه نام رفیق ثواب حق شناس را بهمان آورد ادعا می کنند که این رفیق زمانی شاگرد پدرش بوده است. اینها هیچک صحت ندارد و او در این اسما جز برای بزرگداشتی و زمینه سازی جهت حاشا انداختن توطئه علیه مجا هدين خلق نیست. در اینجا هم باز استمال رژیم جمهوری اسلامی را با بدید که چگونه برای لوٹ کردن نیروهای مترقی و انقلابی به چنین خاشی متول می شود.

(۹) - در باره خیانت اصغر میرزا جعفر اعلا طی گزارش مفصلی که از "کارزار دفاع از تنقی شهرام" در شماره های آینده پیکار خواهم آورد صحبت خواهد شد. همینقدر بگویم که او کسی است که در زمان رژیم شاه خاش و در حالیکه در رابطه با بخش منشعب از س.م.خ بود خود را به پلیس معرفی کرد و پس پشت تلویزیون آمد و خاشا نه علیه انقلاب و نیروهای انقلابی سخن گفت و برای شاه حدشنا گفت و سا واک نیز پس از آنرا بیش خیانتکاری وی او را مدتی بعد آزاد کرد.

(۱۰) - منظور رفقای شهید جمال شریف زاده شرازی، جمال موسوی قمی و طاهره میرزا جعفر اعلا (خواهر اصغر) است. شرح زندگی مبارزاتی و شهادت آنها در بقیه در صفحه ۱۱

نگاهی به مصاحبه مدنی با کیهان افشای جبهه ملی و مدنی از جانب حزب جمهوری اسلامی و ماهیت آن

ما هدی که این انقلابیون کمونیست و تنها انقلابیون کمونیست بودند که بی معا و با تمام توان و امکانات خود به افشای ماهیت سازشکارانه و خیانتکارانه دولت موقت پرداختند و شهادت و شرفشان به نفع رزندان و عداوتها را از طرف دولت و شرکایش بجان و دل گردیدند و از افشای واقعیات و اطمینان در پیشگاه طبقه کارگر و توده ها و آگاهان ندیدن آنها با زنا پستاند. در مورد شخص مدنی که یکی از عناصر مهم دولت موقت بود (در آن زمان روز دفاع و سپس فرمانده نیروی دریایی)

انقلاب و ضد انقلاب با خلق و ضد خلق نبوده بلکه تضاد است. در داخل جبهه ضد انقلاب و ضد خلق و بیرون آنها به یکدیگر حتی اگر ظاهری مترقیانه و خوش آب و رنگ داشته باشد از موضع دور قنب ضد خلقی انجام میشود. اما اگر عملکرد جناح حزب در قبال "لیبرالها" اینگونه نبوده است و بعد از آنها هنگی و هم خطی کاملاً روشنی با آنها، اکنون به بخشی از آنها بدین صورت و با ماهیتی که فوقاً ذکر شد حمله کرده است، نیروهای انقلابی و شادان بتوان گفت صرفاً انقلابیون کمونیست

این روزها، بویژه بعد از کودتای بخشی از هوامل آمریکا شایع شده است که جمهوری اسلامی، تبلیغات گسترده ای بر علیه جبهه ملی، این ما وای تعدادی از سردمداران بورژوازی مفلوک ایران، از جانب حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش صورت میگیرد. در این میان لبه تیز حمله درگاه دریا صلاح جبهه ملی، بیشتر از هر کسی متوجه شخصیت محبوب حکومت جمهوری اسلامی در گذشته نزدیک یعنی دریا سالار احمد مدنی میباشد. این تهاجمات و حملات از طرف جناح حزب، علی الظاهر از یک پایه "مردمی" و "فدا میریالیستی" انجام میشود و مدنی و پارانیش بمنزله مزدوران آمریکا و کسانیکه تا مین کشنده منافع امپریالیسم آمریکا در ایران میباشد مورد انتقاد جناح حزب قرار میگیرند. اما این فقط ظاهر قضیه است، ماهیت واقعی قضیه را باید در جای چوب مبارزه قدرت بین جناح حزب و طبقه

- زمانیکه تضاد لیبرالها با جناح حزب جمهوری اسلامی حدت و شدت زمان حاضر را نیافته بود هرگز حزب صحنیتی از ماهیت آمریکایی جبهه ملی نمیکرد. ابعاد مدنی، این جلاد خونخوار خلق عرب، مورد انتقاد و حمله قرار نمیگرفت.
- تضاد بین جناح حزب و جبهه ملی، مدنی و کلیه لیبرالها از مقوله تضاد بین انقلاب و ضد انقلاب یا خلق و ضد خلق نبوده بلکه تضاد است در داخل جبهه ضد انقلاب و ضد خلق

استاندارد و غرض است. چندانکه پیش بود که ما (بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی) در همین نشریه در مقابلان تحت عنوان "مدنی کیست؟" گوش کردیم ما بهیت خائنانه مدنی را به توده ها بشناختیم. افشای ماهیت کثیف مدنی و مدنی ها از جانب ما و سایر کمونیست ها همزمان بود با حمایت کامل دولت و حزب جمهوری اسلامی، از اقدامات و اعمال و حشانه و فاشیست مدنی جلاد در قبال خلق عرب و مردم مبارز و آگاه و غرض است، آن زمانیکه مدنی مزدور در جهت منافع جناح حزب بود و سرکوب توده ها و اشتغال داشت، از نظر حزب و آمریکا شای و مزدور بود و جبهه ملی که مدنی یکی از اعضای می - با شد در خط آمریکا قرار داشت، ولی اکنون که مدنی و جبهه ملی سرد کرده اند و در مقابل حزب همراه با سایر دیگر لیبرالها قد علم کرده اند و حاضر نیستند هژمونی جناح حزب جمهوری اسلامی را بپذیرند (زیرا که در واقع با زنا می نمایند و سرمایه داری و وابسته را در سالت خود و دیگران می بینند و حزب و اعوانش را قانع نیستند) رسانی داشته و روش و سیاست آنها را جهت این باز - سازی (پوسیده و کهنه رزبا بی میکنند) - مزدور را

از قبل از قیام مبین ما به افشای ماهیت آنها بهیت خائنان و نه بورژوازی لیبرال پرداخته و از هر فرصتی برای تبلیغ و ترویج نظرات خود در این باره بهره می جستند کمونیست ها بدرستی مطرح میباشند که بورژوازی لیبرال اعم از مذهبی و غیر مذهبی (چپ - سنجایی و جبهه ملی اش و چپ با زرگان و نهضت آزادی - اش) مخالف انقلابند، مخالف سرنگونی رژیم سلطنتی میباشد و حتی بعضاً مخالف سرنگونی شاه هستند. آنها فقط خواهان رفاه هستند، خواهان این هستند که سهمی هم برای آنها در قدرت منظور شود، خواهان اینند که فعلاً نه در دست استعمار خلق شرکت کنند. خواهان این میباشد که در دیکتاتور از کرده آنها (و فقط آنها) بر داشته شود. خواهان این هستند که شاه سلطنت کند و نه حکومت و نگرانند که دیکتاتور با نداشتن، حیات کل نظام سرمایه داری و وابسته را بفرماندازد... کمونیست ها ماهیت خائنان و نه بورژوازی لیبرال را نه صرفاً به خاطر و آکی بودن فلان کس از پیمان جبهه ملی - سازمان بورژوازی لیبرالی، همان کاری که ما اکنون جناح حزب انجام میدهد (بلکه با توجه به سیاست عملکردها و ماهیت طبقاتی آنها نشان میدهند و برآی توده های خلق در عداوت و تهاجمات و تهاجمات لیبرال برای انقلاب را تشریح می کردند. این در حالی بود که کلیه تهاجمات و تهاجمات که اکنون جناح حزب را تشکیل میدهند بر ماهیت طبقاتی شان با لیبرالها نردم نیست می باشد و تهاجمات و تهاجمات او را به تهاجمات نماندگان موقش خود به مذاکره با رژیم شاه و هویز آمریکا می فرستادند،

بعد از قیام مبین ما و بورژوازی لیبرالی و رژیم سلطنتی بدست توانای توده های میسوسنی خلق نیز موضع کمونیست ها نسبت به بورژوازی لیبرال مشخص و صریح بود. اما در همین زمان با زرگان از طرف آیت الله خمینی بعنوان نخست وزیر موقت برگزیده شد و او را از واجب گردید (۲). و همه دیدیم که دولت با زرگان چه خیا نتها می را نسبت به خلق مرکب شد و با زهمه

اما بهرحال سیاست فریبکارانه حزب جمهوری اسلامی و اعوانش نسبت به مدنی و جبهه ملی، یعنی تا شید گذشته و تکیه بر کنونی اش از آنها هرگز نمیبرد و تنها بدین نوع از سیاست افشارانه و صولی ما و دیگر کمونیست ها در برابر کلیه مترجمین و از جمله مدنی و پارانیش در جبهه ملی باشد. به عبارت دیگر واضح است که جناح حزب و لیبرالها به طرفتادی که در جای چوب ارتجاع حاکم با یکدیگر دارند، به طرفتادی که در اعمال هژمونی بر یکدیگر در هیئت حاکمه دارند، بخاطر تضاد است که در شیوه برخورد نسبت به با زنا می نمایند. سرمایه داری و وابسته و مدبریت آن با یکدیگر دارند، به طرفتادی که در شیوه و چگونگی برخوردشان در مقابل توده های مبارز خلق با یکدیگر دارند... میگویند با نداشتن بافتی هم پیدا کنند. (البته با ملحوظ داشتن این ا مریاتی و مهم که برخورد آنها با یکدیگر و جنگ قدرتی که درگیران هستند در برابر یک هیئت حاکمه

بعد از قیام مبین ما و بورژوازی لیبرالی و رژیم سلطنتی بدست توانای توده های میسوسنی خلق نیز موضع کمونیست ها نسبت به بورژوازی لیبرال مشخص و صریح بود. اما در همین زمان با زرگان از طرف آیت الله خمینی بعنوان نخست وزیر موقت برگزیده شد و او را از واجب گردید (۲). و همه دیدیم که دولت با زرگان چه خیا نتها می را نسبت به خلق مرکب شد و با زهمه

تبلاتی حزب واقع شده اند (۱).
آن هم آوازی و همگامی اولیه حزب با مدنی ها و جبهه ملی در مقابل خلق و انقلاب و این مخالفت و جبهه گیری کنونی در مقابل هم، بهیچ ماهیت این تضاد در برابر مینکند و نشان میدهد که افشای جناح حزب بر علیه جبهه ملی و مدنی و آمریکا شایع شدن آنها نه از یک پایه مردمی و یک دیدگاه مترقیانه و انقلابی بلکه از پایه ای عمیقاً ضد انقلابی و ضد خلقی، صورت می پذیرد. به عبارت دیگر تضاد بین جناح حزب و جبهه ملی، مدنی و کلیه لیبرالها از مقوله تضاد بین

(۱) - "به توده های دلیر و آگاه توصیه میکنم که سوابق تمام کسانیکه روزی در جبهه ملی خدمت میکردند - (از جمله آقای بنی مدر) بی بگیرند و با مقامات به شیوه عمل و تفکر آنها در طول انقلاب با بیشترین گستردگی این افراد و پیرو گردند." - "سرما لهر روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۴ تیرماه - تا کید و پراشتراست"

جمن لغتی را بکار برده است و الا...
والا کما سکه خود را رو همدام میرا لیم هستند
کما سکه خود را ی حکمها بهای امیرا لیم... سا
کوش درجهت ما ن دادن سرما به داری و انسته
ایران... فعالیت میکنند اما به مبارزه علیه امیرا لیم
سپه جودا انضادی ندا رند و در سنجها کما ی هم برای
امیرا لیم می سازند... آری... مدنی و دیگر "لیبرالها"
اسما می لیبرالها... چه آنها که در قدرت سپه مند نظیر

امیرا لیم... تا میسرند... با طراست سکه و فکر میکنند
سوده را می توان بر اجتنی دنبال خود کسود و زور
حرف بر قدرت بهای زو سیمان خود سدل کردن را
کذا و معقد است:
"تا به مردم بسوا دند و اسرا حاسات و زود حبت
تا تیر سلعاب را دوسلو بریون قرار میکنند...
اس سلعاب افکار مردم را عین میکند...
سعی اسکا کردن بر بطور کامل بدست آورد دیگر

- مدنی و دیگر "لیبرالها" (تأملی لیبرالها) چه آنها که در قدرت سپه مند نظیر نیست آزادی، باندینی صدر
وجه آنها که فعلا از قدرت دور می باشند مانند حمزه ملی (مدب زادی است که با عملکردها سیاستها...
بیان موضوع بیان دادند که خود را و متحد امیرا لیم هستند و با سرمایه داری وابسته ایران نه تنها
سرجیک ندارد، بلکه حامی و سیمان بدون چون و چرای آن هم می باشند.
- توده ها هنگامی که مدنی و حامیان نظام وابسته حاکم را مورد تهاجم قرار میدهند، مورد تخریب، ضرب،
جرح و قتل و کشتار واقع میشوند و هنگامی که در اثر ناآگاهی و توهم خود فریب میچورند و بدام مدنی ها
می افتند مورد تائید و تمجید قرار میگیرند.

سپهت آزادی... با مدنی مدروجه آنها که فعلا از قدرت
دور می اندام سد حبه ملی... مدب زادی است که با
عملکردها و سیاستها بیان موضوع بیان دادند که
خود را و متحد امیرا لیم هستند و با سرمایه داری
وابسته ایران به سیاستها سرجیک ندارند، بلکه حامی و
سیمان بدون چون و چرای آنها هم می باشند.

اما بخر "لیبرالها" "حریف آنها یعنی حزب جمهوری
اسلامی و عواش سیر در عمل نشان داده اند که علیرغم
سازها بیان با امیرا لیم سرجیک ندارند و اگر
خدا ی با آمریکا دارند، نمادی است بین دوسلو بری
مدخلی و رهمن روه می با ندکه حجاج حزب نیز با
سما میوان و امکا ن خود (السته یوه خویش) و
خواهان بازاری سیم سرما به داری وابسته ایران
است و در این راه در کما سرجیک (لیبرالها) از هیچ
حساب و حسابی فرو گذار نکرده و میکنند! و در سرجیک
سروهای آکا و افلاسیون کمونیست، کارگران مبارز
و زحمتکاران... ملت های تحت سیم، سوز و خلق فیرما
و دلاور کرد، در حفظ قرارداد های اسارت و آمریالیست-
ها با رژیم ها خاش، در بینان نگاه داشتن اسناد
حساب و حساب با امیرا لیمها و رژیمها فقط تده پیشین
بر علیه خلق... کما ملاحره و همگامی موحی در مواردی
بینگام "لیبرالها" بوده است.

توده ها از نظر مدنی

مدنی در موردنا شنوده ها از اشغال لانه ها سوسی
می گوید:
"اس سرودها را مردم در زمان رژیم سابق هم
میگرددند".

به سخره گرفتن احساسات امیرا لیمیتی توده
- هاب دین شکل رسوا و خائنه و نشان دادن عسق
تغیرو دتمنی خود با توده ها توسط جمله فوق الذکر،
فقط از مرکز کشف جلادان و خاشتن به توده های خلق
و سکران و خلقه بکوتان امیرا لیم حاسا بکار آمریکا
نراوش میکند، مفا سها حنا عات عظیم توده های خلق
که در محالفت با امیرا لیم حاسا بخوار آمریکا کرده ام
آمده اند (حنا عاتی که سپه جودا موردنا شنوده اشغال
گنندگان بقراب و حاسان آنها سرتوده است)

با چند صد نفر خود فروخته و غریب حورده گزمان نگاه
جلاد با تطمیع و سپه بدنه نفخ رژیم سخط نا همسار
می دادند، فقط بیان کننده نفخ افکار راجعایی و
حماقت و عقب ماندگی تاریخی مدنی خلاد نیست، بلکه
سپه در صفحه ۱۱

"لیبرالها" تا به مردم "تا به مردم" را تا سلعاب
را دوسلو بریون دنبال خود کسود و زور
سرجیک سیر و های افلاسی و آکا هم اسک و سیموه
"لیبرالها" امکان بدر است.

ارهمین روست که مدنی در حال حاضر حجاج حزب
جمهوری اسلامی را مانع اصلی "لیبرالها" می بیند و
آرا بیکاه امیرا لیم میخواند که اعمال آراسی
خود (علیرغم عمل حوس) مانع زبادی در "مسیر
طبیعی" بازاری سرما به داری وابسته، ایجاد کرده
است. مدنی می گوید:

"ملت با سکه امیرا لیم حبتی در درون خود می
با بیکاه دارد... ما با ندخا و زده حقو ملت (مظهور
همان خودشان می باشد از خواهه سرون مری و
خواه درون مری بحکوم کیم... اس است که
دسال احساسات و حما و تکفیر با قدرت... باید
وروده مسائل را در دست با ندا امروز هر کس را
که میخواند رسیدان خارج کنند با حما و تکفیر
می گوید".

اینکه مدنی با بیکاه امیرا لیم را در حجاج حزب
جمهوری اسلامی که حما و تکفیر بدست میبند، می -
بیند دلیل اینست که برای دست یابی به قدرت و
اعمال هزمونی لیبرالها در هیئت حاکمه، حریف
اصلی و بر قدرت حجاج حزب است از نظر او این حجاج
حزب است که حازه، بیدخل لیبرالها با حیا ل راحت به
سروما ن دادن ا فاع درهم ریخته سرما به داری
وابسته ایران سیرد: زنده با سیاستها و اعمال آراسیستی
و عقب مانده خود به زنده سرما به داری وابسته ایران در
"مسیر طبیعی" اش "بده و اده میبازند... بنا بر این در
حال حاضر بر عمدنی مانع اصلی تثبیت حکومت و
اجا دنظم حزب جمهوری اسلامی و عواش میباشند و
سپه من دلیل هم آنها با بیکاه امیرا لیم هستند (۳).
اما دفت سیمتری در سیاستها و عملکردهای مدنی و
مدنی هاروش میبازند که اسما و امکا ن او با بیکاه
برای امیرا لیم در ایران نمی باشد (طبیعی هم
همین است) و اگر به حزب جمهوری اسلامی متنازد و
آرا بیکاه امیرا لیم میداندی الواقع با سوجه
به حوم خود در حاسه برای تحت فشار گذاشتن حریف.

(۳) - حواسندگان حاسا بطردا رند اطلاعها و توسعه
- های دیمرا ما مورعما ی روحا سب را در سرجیک است
سوده ها را را هیما شتی و نظا هرا ب سفع اشغال لانه
حاسوسی.

و اردینا زده اما اس افکارهای صوری و سطحی آنها
بر علیه هم به حوجی سادمانع سرجودا مولسی
کمونیستها به هر دو حجاج و کلیه و اسکان به آنها
باشد... بلکه ساسات مخج و سیرولیری است که
کمونیستهای راستین همانطور که کمون احسام
داده اند با فاسای سرجما به دونا طعا سکل هیئت حاکمه
سپردا زنده و هیئت مدخلی و اسما زکرا به آنها را
بی محابا و بدون وقفه برای طبقه کارگر و رستمکنان
توضیح داده و افشا میبند.

ارهمین روست که ما خود را ملرم می سیم گنه
لا اقل نگاه کوبا می به محاسبه خبر شس اکسها
(سنا ریح ۵۹/۴/۲۶) با ندا رژیم ما حبت حاسا سبه
او و جرایس که و سنا بدکی میکنند را سیرا فشا
سوده و صحت گفته ها و سونه ها و تحلیل های خود را در
این خصوص سیرشان دهم... اس به حاسا و ی سکا ب
و مسائل زیاد و کوبا کوسی است... ولی مانع به دو
بیکه می پردا رژیم با بیکاه امیرا لیم از نظر مدنی و
توده ها از نظر مدنی که البته در ضمن آن از سیمو سکی و
مشا بهت تا مویما سطر مدنی در این دوموردنا را را ن
لیبرالاش و با رفیقان با صلاح خدا امیرا لیم است...
سیمی حجاج حزب جمهوری اسلامی سخن خواهیم گفت:

بایگاه امیرا لیم در ایران از نظر مدنی

مدنی در پاسخ به سئوال "سطر نما با بیکاه های
امیرا لیم در ایران چیست؟" میگوید: "با بیکاه
امیرا لیم با بیکاه ای است که سیمی گذارد ما به رستم
در... سیر... سیمی اش ادا مدهم... اصولا هر چه که ما سیم
حزب ما در جهت نظم بخشیدن به حاسه با ندخا بیکاه
است از با بیکاه های امیرا لیم سیمین المللی... مثلا
سرما به داری و فسادها اگر ما مانع شوند اسما زکری
کنند با بیکاه امیرا لیم هستند... البته حجت با سخی
از مدنی در خصوص با بیکاه امیرا لیم سپه جودا برای ما
قابل تعجب و سئوال را بکیر نیست... چرا که حجت کوسی
جریانی که خود حاسی بدون چون و چرای سرما به داری
وابسته امیرا لیم است سیموا ندخا هلاسی غرار
آنچه که نقل شانرا شده... مدنی می گوید:

"با بیکاه امیرا لیم با بیکاه ای است که سیم گذارد
ما به رستم در... سیر... سیمی اش ادا مدهم...
و در اینجا مراد از "ما" بطور کما ملاطمی روشن
است که خودشان یعنی سوز و لیبرالهای خاش هستند
و بنا بر این کلیه سیر و ها شکما مانع از رند "لیبرالها"
میشوند و در بازاری نظام سرما به داری وابسته سیم
لیبرالها سنگ می اندازند از نظر مدنی با بیکاه
امیرا لیم هستند! و اس میبند حجتی تا سیم
سرما به داری و فسادها سیر شود! البته "سرما به -
دارها و فسادها اگر ما مانع شوند اسما زکری
کنند!!!" و در غیر اینصورت! از نظر مدنی مزدور آنها
سپه جودا بیکاه امیرا لیم سوده و خوا هدود... با
سوجه بدکوس مدنی به امیرا لیم و با بیکاه... منحنی
میشوند که سطر او و جرایس که و سنا بدکی میکنند
سرجیک سیم و محکم سیم "با بیکاه امیرا لیم" سیمین
سوده ای و اعلاما سده خلقهای سیمده و دلاور ایران
است... با طراست سکه توده های زحمتکار و سیمکا میان
آنها سیمها سیروشی سیمده که سیموا ندخا سیمده با رما ی
نظام اسما زکرا به سرما به داری وابسته ادا مکنند و
ا فدا میکنند... اما اسکه حجاج را اسحا بدنی سوده های
سبار خلق و سیر و های افلاسی را که مدنی واقعی و
آکا حاسه سرما به داری وابسته سیمدهما "با بیکاه

←

در عین حال نشان دهنده ماهیت عمیقاً سرسپرده و جناینک رانده ووا مثال اونیز میباش. نفی حرکت و توانائی توده ها، بیواندن نقش تعیین کننده و تاریخیما زتوده ها، چشم فرو بستن بر نیروی عظیم و لایزال آنها، بیان دادن به تشخیص صحیح و استراتژیک آنها، یعنی کتمان واقعیات، تحریف حقایق تاریخی مبارزاتی توده هاست، نشانگر ایدئولوژی پوسده و متعفن بورژوازی در عملکردی و احتیاط را میریایسم است که از گام و حرکت رو برشته توده ها در وحشت و خوفی عظیم و دائمی بر میبرد. ما و سایر کمونیست ها هرگز نمی گوئیم که توده ها بطور کونته مدت و بدلیل ضعف عمر آگای و نا آگای و توده مورسوا استغاده قرار نمی گیرند و اشتباه نمی کنند ولی این بمعنی این نبوده و نیست که احساسات غذا میریایستی توده های خلق و خواستهای بحق و متعالی آنها مورد استهزا قرار بگیرد و عاشا نشانیها تظاهرات فرمایشی زمان شاه مقابله شود.

مدنی، توده ها را زمانی که احساسات غذا میریایستی خود را بروز میدهد و با برزات فساد امپریالیستی و دمکراتیک اقدام می ورزند، فاقصد ارزش میداند و اعمال آنها را "سروصدا" مینامد و آنان را با او با شان تظا هرکننده زمان شاه قیاس میکند. ولی همین مدنی هنگامیکه بخشی از توده ها (اکثریت کانی که به مدنی رای دادند) از طبقات مرفه و مدافع رژیم شاه بودند و فقط بخشی از توده های قشر متوسط و نا آگاه به مدنی رای دادند، (در اکثریت هم آگای خود نیست به ما هیت او و مانند او رای میدهند) از نظر مدنی "بسیار مطالعه"، با فرهنگ و آگاه میشوند. و در نتیجه رای آنها هم لزوماً با یستی مورد احترام قرار بگیرد. می بینید که مدنی توده ها را برای چه میخواهد و در کجا آنها را تاشد میکند. درست در آنجا شیکه ارباب او را نشانه رفته اند، درست موقعیکه به سیستم سرما به داری وابسته ایران را مورد حملات خرد کننده خود قرار داده اند، درست هنگامیکه مدنی و حامیان نظام وابسته جاکم را مورد تهاجم قرار میدهند، مورد تهمسخر، ضرب و جرح و قتل و کشتار واقع میشوند و هنگامیکه در آنجا آگای و توهم خود فریب میخورند و به مدنی ها میافتنند مورد تاشد و تمجید قرار میگیرند. این سیاستی است که به طور کل رژیم جمهوری اسلامی همه رژیمهای ارتجاعی بدان عمل میکنند. موقعیکه توده ها از روی عدم آگای و بسیاری از آنها برای "سلامتی" ما (و از این قبیل) به نظام جمهوری اسلامی رای میدهند، رای آنها و نظر آنها محترم است زیرا که در جهت منافع حاکمان کنونی می باشد. ولی زمانیکه توده های آگاه و خلق کرد در گردستان با لاتفاق خواهان خود مختاری در جای چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک هستند و نمایندگان سیاسی خود را در عمل برگزیده اند و با هنگامیکه دانش جوانان دانشگاهها با رای خودخواهانی دانشجوئی را تشکیل داده اند و... رای و خواست آنها فاقد اعتبار و ارزش بوده و با گلوله و کشتارهای وحشیانه و عاشا نشانه پاسخ داده میشود. چنین دیدگاه عمیقاً ارتجاعی نیست به توده ها و بر سر آگای و توهم توده های نا آگاه و توهم تنکیده کردن خاص تمام نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی است. و این دقیقاً سیاست کل رژیم جمهوری اسلامی ایران است. سیاست بازگان و نهفت آزادی، بیسی صد رو بادش، حزب جمهوری اسلامی و اعوانش همه و همه قدرتمندان و حاکمان کنونی می باشد. در قبال چنین دیدگاه و سیاستی کمونیستها با بدیالاتش همه جا نشه

بقیه از صفحه ۸

رفیق شهید ...

پیکار ۵۱ (اول اردیبهشت ۵۹) آمده است.

(۱۱) - رفیق شهید مرتضی خاموشی در زندانهای مرز ترکیه و در حالیکه با خود مدتی دیری اسلحه و وسایل دیگر داشت همراه با رفیق شهید حوریه با زرگان به شهادت رسید. (شرح مفصل در پیکار ۲۵ و ۲۴)

(۱۲) - انقلابی شهید حسن، سمپا تیزان بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق بود و با شغل مترجمی در سفارت آمریکا کهکهای ذیقیمتی به سازمان و انقلاب میگرد. در عملیاتی که قرار بود طی آن کاردار آن سفارت در تهران، اعدا ما انقلابی شود متاسفانه اشتباهی پیش آمد و بجای فردا میریایستی مزیور خود شهید حسن - که در اتومبیل و به سفارت نشسته بود - مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید شد. در همان زمان سازمان طی اعلامیه ای هم زانشتبا که پیش آمده بود تدبیرات انتقادا ز خود کرد و شهادت او را به خانواده اش تسلیم گفت. (تابستان ۵۴)

(۱۳) - جواد منصوری، مسئول سیاسی سابق سپاه پاسداران علی محمد بشارتی دارای سابقه متمدنکاری با سواک (به پیکار ۴۷ مراجعه شود) و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی از جهرم - سرخورد از حمایت حزب جمهوری اسلامی، حاج حسن رفیق دوست تا جریا ز فروش میدان تره بار

تهران و از مسئولین فعلی سپاه پاسداران که اخیراً با در اختیار داشتن میلیونها تومان برای سپاه اسلحه خرید، همه این افراد عناصری عقب مانده - مرتجع و شدیداً ضد کمونیست می باشند رفیق دوست مستقیماً در به شهادت رساندن ۴ رهبر خلق ترکمن دست دارد.

(۱۴) - عزت شاهي در سال ۵۱ سمپا تیزان سازمان مجاهدین بود که دستگیر و زندان افتاد و بعداً بخاطر گرایش های راست و ارتجاعی اش رابطه خود را با مجاهدین قطع کرد و اکنون در موضعی شدیداً ارتجاعی ضد کمونیستی و توطئه گرانه علیه نیروهای مترقی و انقلابی قرار دارد.

★ ★ ★

مراسم بزرگداشت خاطره رفیق شهرام

روزی که به ما سبت بزرگداشت خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام مراسمی در بهشت زهرا برگزار شد که در این مراسم هزاران تن از دوستان رفیق شرکت داشتند. در این مراسم خانواده رفیق، خانواده شهید، رفقای سازمانی و رفقای هوادار و دیگر نیروهای کمونیست شرکت داشتند. این مراسم که از ساعت ۵ شروع شده بود با شکوه تمام برگزار و در ساعت ۷ به پایان رسید. مشروح برگزاری مراسم در شماره آینده مطالعه کنید



شرکت کنندگان با مشت های گره کرده خود و با قلبی مملو از کینه به ارتجاع اعدا رفیق شهرام را محکوم میکنند.

رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار را بخش کنید.
- با هرامکانی که دارید تمام یا بر حی مقالات و مطالب پیکار را تکثیر و بخش نمایید.

و به یک موضوع اصولی و انقلابی خود را در بین طبقات کارگرو سایر حجتگهان ترویج و تبلیغ کنند. به آنها ماهیت امپریالیسم، ماهیت سرما به داری وابسته ماهیت رژیم جاکم آن ماهیت جناحهای مختلف رژیم و ماهیت و چگونگی دعاوای آنها، تضادها و اختلافات آنها را با یکدیگر توضیح داده و راه رهاشی و خلاصی را بدیشان نشان دهند و هرگز در این راه به هیچ و خم طولانی خستگی را نپذیرند و لحظه ای از خدمت به پرولتاریا و توده های زحمتکش خلق غافل نشوند.

توضیح و تصحیح:

شعر "خون سرخ هر چه بشم" که در پیکار ۶۵ در صفحه خلفا درج شده بود، سروده بهشمر که شهید سازمان "عبدا المجید نجمیه" است.

بقیه از صفحه ۲
پرس...

پس از تشکیل مجلس دوجناح که متفادان شدت بالا گرفته است نمی توانست بر سر تشکیل دولت به نتیجه برسند. بنی مدرکوشیدا پیشنهاد "سدا حمدخمینی" به عنوان نخست وزیر مخالفت خود را با حزب نشان دهد و از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی با پیشنهاد دجلال الدین فارسی که از مخالفین "خط بنی صدر" است کوشید "سازش" یا بدیری "خود را بشنود" (همین مسئله از این لحاظ نیز بسیار قابل است که در حالیکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی انتخاب نخست وزیر در صلاحیت رئیس جمهور مجلس است، یک حزب پیشنهاد نخست وزیر می دهد!) و بهشتی حتی در ماه حبه ای مسئله امکان کنارت رفتن بنی مدرکوشید بطور تلویحی مطرح نمود. (۱)

در عین حال تا کیدخمینی بر سازش دوجناح (بدینصورت که نماینده ای را برای انتخاب نخست وزیر نفرستاد) کید داشت که مسئله نخست وزیر مربوط به بنی مدرکوشید است (و بهشتیانی اخیرا و از مجلس و رئیس جمهور و "قوای انتظامی"، "الترنا تسو" "سازش" را پس از آنهمه جنگ و دعوا بین دوجناح قرار داده است بنی مدرکوشید موضع خود را نشان داده و توافقاتی را می پذیرد:

"ما یک جوی را در نظر گرفتیم و متنا سب با آن جو یک انتخابی کردیم البته در حدودی که امکان داشت است و متعهدانی که می پذیریم در حدودی است که نظریات ما تا می شود، اگر نشد نه می شد نمی پذیریم" (انقلاب اسلامی ۵ مرداد) و حزب جمهوری اسلامی نیز برای امکان نوافقی از افراد دیگری که غیر حزبی باشند ولیکن در "خط امام" باشند (بطریق خاصی) سخن به میان می آورد.

★ ★ ★

مبارزه ای که بر سر جنبه های ترکیب دولت در گرفته و رژیم جمهوری اسلامی را با این دست و پویا خنثی است بدون شک نه اولین و نه آخرین تبارز جنگ قدرت در "ایران" نبوده و نخواهد بود. لیکن اهمیت تشکیل دولت از این لحاظ مشخص میشود (و حزب جمهوری اسلامی و بنی مدرکوشید را به خطبه بهترین تلاش را بکار می بندند) که در یک دوره میزان قدرت هر کدام از جناحها را در قوه مجریه که از آن تعیین کننده هیئت حاکمه است نشان میدهد. حزب جمهوری اسلامی تا کنون بر بخشی از قوه اجرائی مسلط بوده است. (جها دسازندگی، کمیته ها، پاداران و...) و آنچه که مسلم است در آینده نیز آنرا حفظ خواهد کرد. و اهمیت مبارزه طبقاتی و اوکتری

(۱) - "با بدما کروه با شیم و متشکل با شیم و با سدا سازمان و ما ندانسته با شیم با بنوا شیم با هما هنگی و همکارای بیشتر به میدان این مشکلات برویم. ضمنا این جمله را به ملت عزیز عرض کنم انقلابها و فعالین آنها از این مشکلات بر سر راه دارند ملت ما نترسد و دوجناح دلبهره شود که حالا بطور می شود. هیچ طور نمی شود. مدنی رئیس جمهور و مجلس با هم نباید دل نظر میکنند و انشا الله با هدایت خدا و بند و سوسی او هر چه زود تر به یک نظر مشترک برسند. اگر خدای نا کرده اینها نظر مشترک نتوانند بر سرند! مت همت اما منیز هست. ما در جریان این انقلاب با هر وقت به مشکلات جدی برخورد می کردیم همان هما هنگی قلبی و روحی است و اما ما برپا به اسلام حل می کرد" (جمهوری اسلامی - ۹ مرداد) تاکید از (ماست).

بقیه از صفحه ۱۶
اعتصاب...

اعتصابی به وضع بد زندانها و رفتار غیر انسانی پاداران و زندانبانان دست به اعتصاب غذای تزدند. از طرف دیگر خانواده زندانبانان سیاسی نیز در دفاع از فرزندان مبارز خود از روز ۲۹/۴/۵۹ در مقابل مرکز سیا پاداران متحصن شدند. آنها بلاکاردها را با شعار "زندانی سیاسی آزاد یا بیدگردد" و "ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط فرزندان خود هستیم" در دست داشتند. مردم مبارز و آگاه مسجد سلیمان به شهرهای مختلف با خانواده های زندانبانان اعلام همبستگی کردند این تحمن بمدت سه روز ادامه داشت.

هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز به همین مناسبت و در دفاع از زندانبانان و همچنین محکوم کردن اعمال ضد مردمی رژیم اقدام به برگزاری یک سری میتینگهای موضعی در محله های مختلف شهر نمودند که با استقبال گرمی از طرف مردم روبرو شد. روز دوشنبه ۳۰ تیرا اولین میتینک در محله سرکوره ها با شرکت بیش از چند صد تن از اهالی محل برگزار گردید. در این مراسم ابتدا متنی درباره وضع زندانبانان و زندانبانان قرائت شد و سپس یکی از زندانبان در رابطه با دستگیری فرزندش سخنانی ایراد کرد. و ضمن محکوم کردن اقدامات اخیر سیا پاداران از جمله گفت: "همین فرزندان ما و ما زحمتگشان بودیم که رژیم را با ساط کردیم و حالا دسه دسته بچه ها میان را بعنوان "فدا انقلاب" در همان زندانبانهای شاه سیر می کنند..."

بدینال فعالان خانواده های زندانی و برگزاری میتینگها، ارجاع ناچار کتبه ای از زندانبانان را آزاد کنند. لکن مبارزه برای آزادی دیگر زندانبانان همچنان ادامه دارد.

★ ★ ★

جنبش نو ده ای که در یک دوره توانایی لیبرالها را در سرکوب نشان داده است در عمل اثبات نموده است که حکومت در مجموع نتوان از سرکوب قطعی جنبش انقلابی است. این مسئله برگ برنده ای در دست حزب جمهوری اسلامی قرار داده است (و این حزب با همین برگ برنده آیت الله خمینی را نیز در کار خود دارد) که سبب "چماق و سان شیرینی" لیبرالها بوده است که مانع تثبیت رژیم گشتند. آنان اساتید از همین موضع است که لیبرالها را می گویند: "اگر آن روزی که میخواستند در گردان برای مذاکره بروند، من به آنها تذکره دادم که مذاکره اگر نخواهد باشد از موضع قدرت بیروند". و در همین رابطه است که حزب سبب "چماق" خود را با قدرت هر چه بیشتری مطرح میکند. و اهمیت این است که قدرت گرفتن با زمین بیشتر حزب جمهوری اسلامی بمعنی سرکوب خشن ترهست. حاکمه در آینده خواهد بود. حزب جمهوری اسلامی آلتر-نا تسو "حام خون" را (منظور حام خون از کارگران، زحمتگشان، خلفا و نیروهای انقلابی است) اکنون بصورتی جدی مطرح میکند و به رتی جدی در تحقق این شعار ارجاعی و ضد خلقی به پید می رود. مزدوران این حزب اینجا و آنجا حتی به کاسه لیسان هیئت حاکمه نظیر حزب توده و رنجبران رحم نمیکنند و عریه دگان صحت ارفا شیت بازی و دیکناتوری ملانی میکنند: "تا کنون قاضیت بازی درینا وردیم و از این سبب عدا شیت بازی درمی آوریم. آنها شکی که دیکناتوری بیرونی را میخواستند انداخته

بقیه از صفحه ۵
خلقها...

بدینال این درگیری، پاداران ارتجاع که از این درگیری ناراحت بودند کتا به جانشان انقلابی شهر را به آتش کشیدند.

● بوکان ۵۹/۵/۲

گلوه باران روستا و شهادت یک نوجوان

در این روز هلی کوبترهای جمهوری اسلامی روستای نکاتیه را زیر گریه رتیر بارها نشان گرفتند در جریان این شرا ندازها یک نوجوان ۱۲ ساله هفت گلوه فرا گرفت و بعد از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید. رژیم جمهوری اسلامی می خواهد با این وحشیگری ها خلق کرد را از خواستهای برحقش منصرف نماید. بی غیر از اینکه اراده یک خلق را با قتل عام آنان نمیتوان درهم شکست.

● نکات ۵۹/۵/۱

تغریک تزلزل و کرد برای برادر کشی توسط رژیم در ارحله جاشا و پاداران ارتجاع به روستای احمد آباد نکات و سوزاندن خانه های این منطقه که حدود یک ماه قبل صورت گرفته است عسده ای از روستائیان در بیگان وعده ای دیگر در روستاهای اطراف احمد آباد همچنان سرگردان و آواره می باشند. بنا به کفیه عده ای از این آوارگان هشت حاکمه ترکهای نکات را با ملج کرده تا جنگ ترک و کرد را هدایتا ز دویه همن لحاظ ۳۵۰ خانوار احمد آباد از جمله با داران وجاتهای خود فروخته حرات رفتن به نکات را اندازد و به بوکان و روستاهای اطراف رفته اند. در جریان حمله مزدوران ۷-۸ نفر از اهالی از جمله بر مرد ۱۲۰ ساله ای کشته شده است و مزدوران هشت حاکمه وحشیگری خود را با کروکاتگیری چند نفر از اهالی روستا عیان تر نموده اند. سفار اشره "اخر رجش میا وم"

دیکناتوری ملانی است. مکروست ما شکسته است این احزاب و دسته های کشف دست بردارند. (سخنان جاد اسلام غفاری، انقلاب اسلامی - ۵ مرداد)

در صورت قدرت گرفتن بیشتر حزب جمهوری اسلامی مرکز محکوم کل نظام جمهوری اسلامی را بزدیکر می سازد. این جریان از سویی ارجاعی برین و قشرون وسطائی ترس رونها را در سطح جامعه مطرح کرده و به مورد اجرائی گذارد (سنگار کردن، حجاب اجباری، جدا کردن زنان از مردان و...) که با توجه به موقعیت کنونی کمونیستها و نیروهای انقلابی باعث میشود ترس رفته خرد بورژوازی جدید به بیشتر به سبب جریان فوق ارجاعی سخنانی را پید کند. و از سوی دیگر با قتل عام و کشتار زحمتگشان، خلقها و نیروهای انقلابی زمینه فروریختن خرجه بیشتر نه نموده های انقلابی نسبت به نظام حاکم را فراهم میکند. در رابطه وجود اعتلای انقلابی و سازمانهای انقلابی کمونیستی و دمکراتیک، اقتضای روتندهای جدا شده از هیئت حاکمه بسزعت خود را بیک از دوجریان انقلابی و فوق ارجاعی سنگینی میکند. تقویت جبهه انقلاب و گسترش آن چون خاری در چشم هیئت حاکمه می رود. جبهه انقلاب در کردستان تحت رهبری نیروهای انقلابی کمونیستی اکنون چون دژی مستحکم در برابر مدخلی که متشکل از هیئت حاکمه جمهوری اسلامی و امیرالاسم است قهرمانانه در برابر افرایش است هیئت حاکمه را به ساق کشیده است.

گزارشی از مبارزات دهقانان روسای "نصیرآباد" دولت "عدل" اسلامی از منافع خانها دفاع میکند یا از منافع دهقانان

اموال وی "ده" را بر سر میگذارد. بعد از این که با کلاه
حمی به اسم "عدالت" اردوستان محلی جان با شور
رشدگی مسودا و طی یک خبری دهقانان میگوید:
"این دستور کفری اموال جان را بر سر میگذارد"
بدگلوله پس از کشته شدن محمد رضا زاده،
یکی از دهقانان که اس محلی او را بست
کرده بود برای انبای او شروع به کشتن "عدالت"
سوار را از او گرفته و بدون سبب ده را بر سر میگذارد.
پس از کشته شدن دهقانان به مرکز کشته شدن دهقانان
بر میگرداند و در آنجا، با امدادان تاسیس داد
یک محاسبه نایب و وزیر دهقانان با اس نول کشته
محاسبان را از اردوستان خواستند که در آنجا
مستقر می کنند.

خان به همراه "عدالت" و خدوایان! بر دو راهی
آمده و ۸۰۰ را میگوید در اردوستان می گیرند.
پس از آن خان یک توال خود را به دهقانان
رحمتی را نمودار را برای دهقانان میگوید
سود و برای رسیدگی به وضع دهقانان میگوید.
مناخ طبیعی و اصلاحات ارضی مراغه میگوید.
برونده در احسان دکان به مطلق اصلاح سرسبز
می گوید. دادگاه و دهقانان رحمتی مساز
سازمانی "ترباطی" مراغی ۷۰ ساله "محسوت"
جناحی ۵۵ ساله را به ده حرکت و اسان امداد
کردن و اسان رحمتی اسان امداد
اکنون حدوده ما داس که دهقانان رحمتی
نایبیت در زدن سرب می برون. دهقانان ده "نصیر"
آباد "سزیرای آزادی" دوبری اسان در اسان
نایب به محسوت می برون. طبق آخری خبر رسیده آنها
روزی ۵۹/۴/۲۹ در اسان ناری محسوت بوده اند.

ده "نصیرآباد" از "سابع" "سرایکند" "هترودر"
آذربایجان سرب می داردی ۳۰۰ خاوار است. در اسان
۴۲-۱۳۴۳ "محی سابع" "مفتوح روحی" جان ده زمینی
مرغوب دهقانان را نصیر و سزیر میگوید. خرده مالک
را به دهقانان که سزیر میگوید. بعد از سابع
سبب ما دهقانان به علت سزیران سبب دولت
و روحا است. خود را با محسوت میگوید. اسان
حنوی خود را سزیر میگوید. سزیران و کشته
سرایکند کشته میگوید. اسان دهقانان را
نکوتی دهقانان اسان رسیدگی می کنند.

اوایل فروردین ۵۹ یکی از حوین سزیران ده
نصیر از سزیران جان را نصیر کرده و شروع به کشتن
می کند. اسان عمل. حرکت جدید را در دهقانان میزند
سزیران دهقانان سزیران جان را در احسان خود میزند
و آنها را اسان خود میزند. آنها در احسان سزیران
مناخ و سزیران سزیران میگوید. سزیران
در کشتی دهقانان رحمتی سزیران جان
مراغی "و" اسان محسوتی "رحمتی" میگوید. دهقانان
بدن اسان و سزیران رحمتی سزیران جان حمله می کنند
جان و سزیران سزیران را سزیران دهقانان سزیران
اموال و ۷۰۰ را می گویند. اسان سزیران سزیران
نصیر می کنند.

آنها برای طوکری از حمله دهقانان به "دادگاه"
انقلاب "و" اسان ناری کشته می کنند. اسان
سزیران کشته می کنند. اسان ناری کشته می کنند.
سزیران کشته می کنند. اسان ناری کشته می کنند.
سزیران کشته می کنند. اسان ناری کشته می کنند.
سزیران کشته می کنند. اسان ناری کشته می کنند.
سزیران کشته می کنند. اسان ناری کشته می کنند.
سزیران کشته می کنند. اسان ناری کشته می کنند.

را در محدوده منافع طبقاتی خود لگام میبندند. غلبه
شیوه های مصلحت آمیز مزارعه همچون بست نشینی و
نخمن نتیجه سلطه تجار، ملاکان لیبرال و بازرگانان
بزرگ بر حرکات اعتراضی بوده ها بود. بست نشینی
نزدیک به چهار ده هزار تن از بازرگانان، کشته و
بازرگانان در سزیران انگلیس یکی از کشته های
بازرگانان اسان اسان بود.

مردم در امداد مبارزات انقلابی خود خواهان
بر کناری عن الدوله و اخراج "نور" مستشار رنژیکس،
احزای عدالت احضاری و سرک در سزیران سزیران
خود بودند. مظهر الدین شاد با چارند در مقابل رسید
جستجوی ده های غلبه نشینی کرده و عن الدوله را
بر کنار می باند. اما دیگر مرغان آن کشته بود که سزیران
با شورش میزده ها و اصلاحات حزبی نظیر سزیران
"عدالت" "مناخ" از کشتن حرکات انقلابی بوده ها
کرید.

صدور فرمان مشروطیت،

عقب نشینی بزرگ ارتجاع در برابر جنبش خلق
تا اواخر دهه ۱۳۰۰ و اوایل دهه ۱۳۱۰ سزیران سزیران
اسان دادا علی و سلطه حاکمی، ارتجاع را با حاکم
تا با پذیرش حکومت مشروطه و سزیران مجلس نمایندگان
برخی از اقتدار و طبقات خلق یک کام می کردند. سزیران
انقلاب عقب نشینی کنند. امای مرغان مشروطیت
در چهاردهم مرداد سال ۱۳۰۵ در واقع سزیران سزیران
ارتجاع از انقلاب او کشته شده بوده اسان بود. این واقع
تاریخی یکبار دیگر خلق را سزیران سزیران را به سزیران
لازیرال خویش میجوید. صدور فرمان مشروطیت سزیران
سزیران سزیران سزیران سزیران سزیران سزیران
جامعه که سزیران سزیران سزیران سزیران سزیران
کیلان و نواحی شمال کشور را بر سر گرفته بود. بگذار.
گرا بنگه ها حدودی مرز بندی طبقاتی میان مشروطه
خواهان و سزیران سزیران سزیران سزیران سزیران
بازرگانان و اصلاح طلبان را! طرف دیگر سزیران سزیران
بگذار.

مجلس اول متشکل از اشراف و ثووال، تجار،
ملاکین بورژوا، روحانیون و تعداد محدودی پیشه وران
و کارمندان بعد از امای فرمان مشروطیت تشکیل
شد. از مهم ترین ویژگی این مجلس آن بود که جلسات
آن در حضور آموها شرکت آزاد افنا و طبقات مختلف
خلق تشکیل میشد. بطوریکه تمام سزیران سزیران
در بحث های آن نیز شرکت می کردند. همین ویژگی
مزید بر حضور معدود نمایندگان پیشه وران، اصناف و
تجار کوچک و متوسط سبب تمویب بعضی قوانین ضد
فئودالی نظیر لغو تسول داری توسط مجلس اول
گردید. انعکاس وقایع و بحثهای درون مجلس که
بوسیله برخی از جراید انتشار می یافت هر چه بیشتر
توجه سزیران سزیران سزیران سزیران سزیران
جلب می نمود و به نوبه خود میزان آگاهی توده ها
می افزود.

همزمان با تشکیل مجلس در تهران، به تدریج و با
تعمیق جنبش انقلابی ایران انجمن های توده ای در
بسیاری از شهرهای ایران و از جمله در تبریز که از
پتانسیل بالای انقلابی برخوردار بود بوجود آمدند.
این انجمن ها تبلور قدرت توده ای (اکثرات) را کوچک
اصناف و خرده بورژوازی شهری در مقابل قدرت رسمی
دولتی بشمار می رفتند. انجمن های مردمی همچون
خاری در چشمان سزیران سزیران سزیران سزیران

جنبش همدان ادا مصلحت و از این پس انقلابیون
رهبری جنبش را از چنگ روحانیون سزیران و ملاکان لیبرال
سزیران می آوردند. در تبریز سزیران انجمن توده ای
را "مراکز غمی" که انقلابیون با مداری چون صدر عمو
اوغلی کمونیست دلاوران زمان، علی موسوی حاج علی
دو افروش، صدیقی و... آموها را میگرداند در دست
خود گرفته بود. کمکهای سزیران انقلابیون قفقازی و
کمونیستهای روسی به آزادخواهان ایرانی تاثیرات
تکونی در اوضاع انقلابی شمال ایران در آذربایجان
و کیلان برجای می گذاشت. بسیاری از انقلابیون
روسی مستقیما در مبارزات فدائیان مسلح ایرانی
شرکت جست و از فعالین دهنه های محاهد و فدائیان
بشمار می رفتند.

جنبش او کشته شده دهقانان سزیران انقلابی جنبش
می افزود. اما با پیدایش ونگا مل جنبش جوان کارگری
که همزمان با جنبش مشروطه با به عرصه وجود می گذشت
اهمیت ثانی و تثبیت کننده مبارزات کارگری به
اشیاء می رسید. بطوریکه اعتبارات متعددی که در سال
۱۳۸۵ و پس از آن در جنبشهای نظیر چا پخانه ها، گرچی-
رانان و ویا در میان کارمندان جز تلگرافخانه بود
بهیوست با عت و حقت عمیق ارتجاع گردید. تسلیم فوری
در برابر مقابل درخواسته های منفی کارمندان اعتباری
تلگراف دردی ماه ۱۳۸۵ کشته داد اعتبار بیون آن به
۱۶۱۰۰ نفر می رسید و سزیران ارتجاع از کشته شدن
جنبش زحمتکشان بود.

(ادامه دارد)

که مشروطه خواهی را تنها وسیله ای برای ترک
قدرت مطلق و تامین منافع طبقاتی خود بشمار می-
آوردند. مضمون قانون اساسی که در واقع قسمت اصلی
قانون اساسی مشروطه بشمار میرفت در اثر پیش نهاد
انجمن سزیران طرح شد و هدف آن تامین هر چه بیشتر
منافع اقتدار و طبقات با بیشتر مردم بود. اما روحانیون
با شکاری همچون آیت الله بهبهانی و آیت الله
طباطبائی و سزیران سزیران سزیران سزیران سزیران
منافع طبقاتی خود را در خطر می دیدند. منافع
موادی شدند که هر چند بطور محدود، منافع توده های
وسیمتری از خلق را در بر داشتند. در عمو به
پیش نهاد روحانی مرتجع و درباری شیخ فضل الله
نوری که از نزدیکان معدوداتایک بودا ملی در مضمون
قانون اساسی کشته شده شد که سزیران آن یک گروه
نفری از مجتهدین وقت می با بست کلیه قوانین-
معه به مجلس را تا شید و با سزیران سزیران سزیران
امل نفوذ روحانیون بزرگ را پیش از پیش در قوه
قانونگذاری کشور تا مین میگرد. شیخ فضل الله نوری
روحانی مرتجع بود که مشروطه، طبعی را مفاخر به
"توازی اسلامی" قلمداد نمود و حکومت "مشروطه" را به
جای مشروطه پیش نهاد می کرد.

مظفرالدین شاد پس از امای قانون اساسی
معه به مجلس در گذشت و به جای وی ولیمهدا و محمد علی
میرزا بر تخت پادشاهی نشیند. این شخص از همسان
روزهای آخر حکومت پدر کینه عظیم خود را بر علیه جنبش
مشروطه و مجلس قانون اساسی نشان داده بود.



بنیادیت هشتاد و پنجمین سالگرد گذشت فردریک انگلس:

آموزگاران زحمتکشان هرگز نمی‌میرند

هشتاد و پنجمین سال پیش خاکستر جدیدی از رهبران پرولتاریای جهان فردریک انگلس، دوست و هم‌روزم مارکس به دریا ریخته شد. اکنون نزدیک به یک قرن است که آموزش‌های او و اندیشه‌های او و انگلس همچون مشعلی فروزان بر سران یکسری رزواهای مبارزات خویشتن و پارتیان نا پذیر زحمتکشان علیه سرمایه، این خم آشتی نا پذیر بشریت، بر تو افکنده و چون قطب‌نمایی در دست طبقه کارگر در راه آزادی و برابری و در راه محو و نابودی تمامی بنیادهای سرمایه‌داری بکار گرفته می‌شود.

فردریک انگلس یک نابغه بزرگ بود. اما نبوغ و روشن بینی او که از تحلیل درختان شاخسار سرمایه و سرب‌طور اعم نقش دوران کار طبقه کارگر بطور واضح منبسط گردیده و یک سیم بکشی علمی سرچشمه‌ای جامع را برپا می‌نمود، جدا از آن ترابطی که این نابغه بزرگ و همچنین مارکس در آن می‌رسیدند، نمی‌توانست برآورده شود.

دوستان آموزش‌های مارکس و انگلس، سرمایه‌محرم سده بیستم می‌توانند در ده‌ها بشریت در زمینه‌های مختلف علوم صورت گرفت که انقلابات صنعتی و اجتماعی آن‌روز کارورند مناسبات بورژوازی و لاجرم تشدید استعمار و وحشت‌های طبقاتی لزوم پیدا می‌کند و زمینه‌های لازم برای تدوین آسرافرا هم‌پا می‌شود.

انگلس همانند هم‌روزش مارکس با نبوغ و تکلیف خویش تمامی این دسا وردها را فرا گرفت و با عنایت

اعتصاب غذای زندانیان تحصن خانواده‌ها و میتینگ‌های موضعی در مسجد سلیمان

داستان دستگیری عناصر مبارز و انقلابی در مسجد سلیمان روز بروز گسترده‌تر می‌شود. اکنون ده‌ها تن از جوانان مبارزان شهردرندان سپاهیان در این شهر می‌نورند. رژیم جمهوری اسلامی که همواره خود را بر دوش مدافع حقوق انسانی و با مظاهر معنویت معرفی می‌کند، افراد را بدون هیچ‌گونه دلیلی بازداشت می‌کند و مدت‌ها زندانیان را در بطن‌های و در بسیاری موارد بدون ملاقات در بدترین شرایط زیستی به بند می‌کشد. این روش پست‌دیده و ابلهانه "جمهوری اسلامی" در مسجد سلیمان نیز بخوبی اعمال می‌شود.

روز ۵۹/۴/۲۲ زندانیان سیاسی مسجد سلیمان در

تقدیر صفحه ۱۳

منتشر شد:



تئوری زمین‌شناسان در مورد
ساخت جملیه و ارزیابی از
خرده‌پوروازی

آری...

جهت‌های شدن روابط بین آمریکا و ایران و... در آمده بود. از اینرو آرزوی مرکز را داشت و چه بسا هم بود که تا راه‌های مرگ هم‌آغوش کرد. و به همین لحاظ هم مطمئنانه تنها در مرگ نوگر در برینده و فاش‌اشک شریخت بلکه تا دی‌شیر کرد. از طرف دیگر جناح "لیبرالها" در رژیم جمهوری اسلامی هم‌آرمک‌ها به بسیار مرسوم و خوشحال شدند چرا که مرگ، تا به مزدور برای آنها می‌رسید گامی به پیش در جهت عادی کردن روابط ایران با آمریکا است. البته ممکن است حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و اعوانان آمریکایی تا رخت ندها شد. آنهم بدین خاطر که آنها یک حربه مهم برای غرب بوده‌ها و راه انداختن‌ها هوی "صدا میرا نیستی" را از دست داده‌اند. اما در این میان، این نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش هستند که برانگیخته‌ای آمریک‌ها و حتی یکار دشمن دیرینه و خونخواران را نداشتند. آنهم بخاطر اینکه یکی از دشمنان ایران از سر رفته است. دشمنی که کم‌کم ۲۵ سال زورگوئی، استعمار جنایت و خیانت بوده است. البته که بهیچ در اینجا وجود دارد و آن این است که تا دی‌شیر توده‌ها در امریک تا به در صحنه با قرارها و دسا رگ‌مک‌ها بوده. این امر اگر یکی از دلایلش مرگ سیاسی تا به عدم حضور زنده‌ای در زندگی توده‌ها بوده‌ها شد. دلیل دیگر و مهم‌ترش دلیردی توده‌های زحمتکشان و مستعبد خلق از رژیم جمهوری اسلامی است که این دلیردی خود را صلیب برآورده شدن خواسته‌های توده‌ها را انقلاب می‌باشد. توده‌ها می‌توانند که تا به بر علیه رژیم‌ها و آمریک‌ها و امپریالیست‌ها مبارزه کرده‌اند و در این مبارزه شهدای بسیاری داده‌اند. اما ما می‌توانیم در دست بردن تا به تا خودشان در مصمم گیرش‌ها حضور فعال و تعیین‌کننده داشته‌ها شد. مبارزه آنها فقط بر علیه توده‌ها و مبارزه آنها بر علیه سیستمی بوده است. که تا به مزدور و رژیم‌ها و آن بوده‌ها و ولی اکنون که می‌توانند و می‌توانند رژیم جمهوری اسلامی حمایت از نظام سرمایه‌داری و وابسته را به‌همه کرده و با تمام قدرت خود به بازسازی این نظام پرداخته‌اند. در مرکز تا به جلاد آنطور که با آنها را تا دشمن می‌کند. چرا که مرکز تا به ملازم و همراه با مرگ سیستم مورد حمایت تا به نمی‌بینند بهیچ دلیل و با این اعتقاد که با مرگ تا به خا شدن مبارزه با آن با تمام قدرت و به مبارزه خود ادامه می‌دهد. آری، توده‌ها بهیچ از خود را ادامه می‌دهند و با تمام وجود خود را می‌توانند که تا به توده‌ها را به آمریکا از ایران و منطقه بیرون رفته‌اند. نه سرمایه‌داری و وابسته که تا به می‌توانند و با آن بوده‌ها بوده‌ها است و نه به نظام استعمار و سرکشی صدمه‌دهی و تعیین‌کننده‌ای رسیده است. کارگران و توده‌های زحمتکش و مستعبد خلق می‌توانند که هنوز از مبارزات لیبرالها در ایران فعالند. هنوز سیستم سرمایه‌داری و وابسته با برجاست. و رژیم جمهوری اسلامی بهیچ از مبارزات آن برداخته است. هنوز... بنا بر این بهیچ از خود ادامه می‌دهند. و این مبارزه تا به بودی نظام سرمایه‌داری و وابسته و کلیه‌ها میان آن بیرون راندن تمامی امپریالیستها و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری پرولتاریا ادامه خواهد داشت.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست